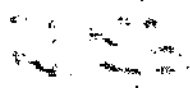


منافع استراتژیکی آمریکا در خلیج فارس

بنجامین کاوری

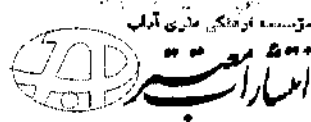


مترجم: دکتر محمدزمان خدایی
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

انتشارات معتبر

۱۳۸۸

سرشناسه	کاوری، بنجامین kevery; Benjamin
عنوان و پدیدآور	منافع استراتژیکی آمریکا در خلیج فارس/ بنجامین کاوری؛ مترجم محمدزمان خدایی
مشخصات نشر	اهواز معتبر ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	۱۸۰ ص
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۳۵-۹۹-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	عنوان اصلی: [۱۹۹۰] American strategic interest in Persian Gulf
موضوع	ایالات متحده—سیاست نظامی
موضوع	خلیج فارس، منطقه—جنبه های استراتژیکی
شناسه افزوده	خدایی، محمدزمان، ۱۳۲۳، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۸۷ م ۸ ک ۲ / UA ۲۳
رده بندی دیویی	۳۳۵/۰۳۳۵۷۶
شماره کتابخانه ملی	۱۵۷۹۰۱۹



نام کتاب: منافع استراتژیکی آمریکا در خلیج فارس
مؤلف: بنجامین کاوری

مترجم: دکتر محمدزمان خدایی «عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز»
ناشر: انتشارات معتبر «وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب»

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ: اول ۱۳۸۸- شریعت قم

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۳۵-۹۹-۴

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: اهواز، چهارراه نادری، اول منوچهری، شماره ۳۲

تلفن: ۲۲۲۵۴۹۶

فهرست مطالب

	فصل اول:
۹	استراتژی جهانی آمریکا
	فصل دوم:
۵۴	مسأله‌ی خلیج فارس در سیاست بین‌الملل
	فصل سوم:
۷۹	رشد تدریجی خط‌مشی نظامی آمریکا در خلیج فارس
	فصل چهارم:
۱۰۹	آمریکا و بحران خلیج فارس
	فصل پنجم:
۱۵۱	استراتژی آینده آمریکا

مقدمه مترجم

هنگامی که داریوش بزرگ هخامنشی فرمان داد دریاسالاران او "اسکیلان" و "دموک سوس" به ترتیب از دریای هند به دریای پارس و از دریای پارس تا مدیترانه را گام شماری کنند، و هنگامی که کشتی‌ها در کانالی که به فرمان وی کنده شده بود از دریای مدیترانه رهسپار دریای پارس شدند از دیرینگی دریانوردی در این دریا سده‌ها سپری شده بود زیرا که پیش از هخامنشیان کشتی‌های ایلامی، نخستین دولت ایرانی که در ۴۷۰۰ سال پیش در آوان (شوشتر) پایه‌گذاری شده بود با انگیزه‌های بازرگانی تا سرزمین هند دریانوردی نموده بودند. چون هخامنشیان سرنگون شدند و اسکندر بر سریر پادشاهی نشست دریاسالار خود "نآرک" (نآرکوس) را روانه‌ی دریای پارس نمود تا گزارش تازه‌ای از جایگاه‌های فراهم آوری آب و غذا و پناهگاه‌های مناسب پهلوگیری کشتی برای وی فراهم آورد. سه سده پس از او دریانوردی گمنام از اسکندریه روزنامه‌ای از دریانوردی در دریای پارس فراهم نمود و نام آن را *Periplus of Erythrian Sea* یا دریانوردی در دریای پارس گذاشت. این دو گزارش دریایی زیربنای کار دو جغرافیادان و تاریخ‌نگار یونانی-رومی، "بتلمیوس" (پتولومی) و "آریان" (آریانوس فلاویوس) بوده که از دریای پارس به ترتیب به نام "پرسیکوس سینوس" و "پرسیکون کیت" یاد می‌کنند. آن همه کوشش در راستای دریانوردی و پیمایش آن دریاها با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی بود.

دریای پارس در دوره اشکانیان و ساسانیان همچنان جایگاه ویژه‌ای در سیاست و اقتصاد کشور داشت به‌طوری که نگهداری آن گاه که با توسل به جنگ میسر می‌گشت تاریخ جهان از لشکرکشی خسرو یکم به سرندیب یا سیلان در راستای منافع بازرگانی ایران خبر می‌دهد. در آن روزگار ایرانیان "پولکسین دوم" شاه "چالوکیا" را در جنوب هند بر تخت سلطنت نشانیدند تا حافظ منافع بازرگانی ایران و هند - دو برادر دور افتاده از یکدیگر - باشد. داستان سفارت پولکسین به دربار خسرو پرویز در کتاب تاریخ تبریز آمده است و دیوار نگاری "غار ۱۶ اجانتا" در "اورنگ آباد هند" اشاره به روابط ایران و هند دارد. و هم در آن روزگاران نیروی دریای ایران هر نیرویی را که توان به مخاطره انداختن منافع بازرگانی دولت ایران را داشت به مبارزه می‌طلبید. اما ساسانیان نیز فروپاشیدند و پس از آن

هیچگاه آرزوی ایرانیان مبنی بر داشتن نیرویی دریایی که بتواند پاسدار دریای پارس باشد جز در زمان بزرگمرد تاریخ ایران نادرشاه افشار میسر نشد که آن نیز دولت مستعجل بود. بیچارگی شرق زمانی آغاز شد که "دiaz" دریا سالار پرتغالی که در سال ۱۴۸۶ تا آفریقا دریانوردی کرده بود امکان پیشروی در مشرق زمین را نیز ممکن دانست. "واسکودوگاما" هم‌میهن او در سال ۱۴۹۷ با گذشتن از دماغه‌ی امیدنیک (Good Hope) به هندوستان رسید و این آغاز پدیدار شدن اروپاییان در اقیانوس هند و دریای پارس یا خلیج فارس بود. پیدایش نفت و سپس استخراج آن در مسجد سلیمان این حضور را استحکام بخشید.

بیش از شش دهه از چپاول نفت گذشته بود که آپک تأسیس شد. آپک توانست تا حد زیادی دست واسطه‌ها را از صنعت نفت کوتاه کند اما منافع دولت‌های بزرگ کماکان پابرجاست و در رأس این کشورها آمریکا و روسیه است. روسیه همان شوروی پیشین و همان روسیه پیش از شوروی است که در افکار و امیال تزارهای آن که دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس بوده تغییری رخ نداده است.

در این میان خلیج فارس یا دریای فارس پستی و بلندی‌های بسیار دید هر چه بود ایرانی بود و فارسی؛ اما غرب که هر چه بیشتر به دنبال منافع خویش بود این‌بار دریای پارس را مورد حمله جدید قرار داد. "سر چارلز بلگریو" Sir Charles Belgrave در سال ۱۳۱۴ اندکی پس از قرارداد جدید نفتی از آن با نام مجعول "خلیج عربی" نام برد که در محافل علمی با واکنش شدید روبرو گردید.

کتاب حاضر کوششی در راستای نشان دادن منافع آمریکا و روسیه در خلیج فارس است. نویسنده که خود در زمره‌ی مسیحیان سوریایی و دوست‌دار ایران است موشکافانه به تحولات سیاسی خلیج فارس و نقش ایران در رابطه با قدرت‌های بزرگ پرداخته است.

نظر به این‌که هدف این ترجمه کوشش در راستای هر چه روشن‌تر نمودن امیال و منافع بیگانگان در خلیج فارس بود، مباحثی که به ارزیابی مفصل اقتدار جنگی آمریکا و روسیه بود با تلخیص ترجمه گردید.

محمدزمان خدایی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

مهرماه ۱۳۸۷